

شیخ محمد بخت مطیعی؛ عالم و نویسنده‌ای تقریبی

ع.ر. امیردهی

چکیده:

شیخ محمد بخت مطیعی (۱۲۷۱ - ۱۳۵۴ ه.ق) پس از تحصیلات ابتدایی و حفظ قرآن کریم، وارد دانشگاه الازهر شد و دروس مختلف اسلامی را با موفقیت به پایان برد. از آنجا که وی به شغل قضاوت علاقه‌مند بود، به آموختن فقه حنفی روی آورد و بعد از فارغ‌التحصیلی، در شهرهای متعدد به سمت قاضی منسوب شد و پس از چندی ریاست عالی قضاوت در کشور مصر را عهده‌دار گردید. وی در ربع آخر عمرش به تدریس و تألیف پرداخت و علاوه بر تربیت شاگردان، ده‌ها کتاب و اثر علمی از خود به جای گذاشت. مهم‌ترین دستاورد زندگی علمی - فرهنگی مطیعی را می‌توان اندیشه اصلاح‌گری و تقریب مذاهب اسلامی و تبیین آرای فقهی مذاهب گوناگون و عدم تعصب مذهبی وی برشمرد. نمونه‌هایی از تلاش وحدت‌گرایانه و اندیشه انسجام مذهبی وی در این نوشتار بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: شیخ محمد بخت مطیعی، الازهر، تلاش‌های وحدت‌گرایانه، مفتی مصر.

ولادت و تحصیلات

در شهر «المطیعه» از نواحی استان «اسیوط» در خانواده‌ای مسلمان و مالکی مذهب، در دهم محرم سال ۱۲۷۱ هجری قمری (۱۸۵۶ میلادی) پسری به دنیا آمد که نام وی را محمد گذاشتند. پدرش، حسین، وی را از زمان طفولیت با آموزه‌های دینی رشد داد. محمد را در سن چهار سالگی به خواندن و نوشتن وادار کردند، سپس به حفظ قرآن کریم پرداخت و قرائت و تجوید و حفظ را قبل از ده سالگی به پایان برد و بعد از آن در سال ۱۸۲۲ هجری قمری به عنوان دانشجو وارد «الازهر» شد و یادگیری آموزه‌های مذهب مالکی (در فقه) را آغاز کرد.

مذهب مالکی در منطقه و روستای محل تولد وی رواج داشت. معلمان ابتدایی و امام جماعت مسجد، به ترویج آن می‌پرداختند. از این رو، وی بعد از ورود به «ازهر» به مطالعه و آموزش کتاب‌های متعلق به مذهب مالکی پرداخت. از این میان، کتاب «مختصر خلیل» را حفظ نمود. این کتاب مورد اهتمام علمای متأخر مذهب مالکی است که برخی از فقهای مالکی مذهب از جمله:

محمد بن عبدالله بن علی خرسی (..... - ۱۱۰۱ ه.ق) در «الشرح الكبير علی متن خلیل»، محمد بن احمد بن محمد علیش (.... - ۱۲۹۹ ه.ق) در کتاب «منح الجلیل فی شرح مختصر خلیل»، محمد بن محمد بن عبدالرحمان حطاب (.....-۹۵۴ ه.ق) در کتاب «مواهب الجلیل بشرح مختصر خلیل» و محمد بن یوسف عبدری مواق (.... - ۸۹۷ ه.ق) در کتاب «التاج و الإکلیل فی شرح مختصر العلامه خلیل» و دیگران، آن را شرح کرده‌اند.

از سوی دیگر، بروز علمی و توانایی‌های دیگر وی در فهم و ارائه مذهب حنفی بود. در این که وی چگونه از مذهب مالکی به مذهب حنفی رو آورد، آرای مطرح است که یکی از آنها چنین است: روزی یکی از دوستانش از وی پرسید: «پس از فارغ‌التحصیلی از الازهر، دوست داری چه کاره شوی؟» شیخ محمد در پاسخ دوستش اظهار داشت: «می‌خواهم قاضی شوم!» دوستش، با رد این آرزو، به وی گفت: «برای قضاوت، تحصیل و آموزش در مذهب حنفی شرط است». شیخ محمد برای دستیابی به شغل مورد نظرش، از تحصیل مذهب مالکی دست برداشت و به آموختن مذهب حنفی پرداخت.

لازم به یادآوری است که در محدوده حکومت عثمانی، بر اساس دستورالعمل رسمی، در همه مناطق از جمله در مصر، مسئولیت قضاوت شرعی بر عهده عالمان حنفی مذهب بود و عالمان سایر مذاهب حق نداشتند بر کرسی قضاوت بنشینند.

به گفته دکتر محمد دسوقی، جریان روآوری شیخ محمد بخیت به مذهب حنفی، به جای مذهب مالکی، را جناب استاد دکتر علی جمعه مفتی کشور مصر هم گزارش کرده است. و نیز در شیوه تحصیلی شیخ محمد بخیت آورده‌اند که وی برای آموختن شرح کتاب «مراقی الفلاح» تألیف حسن بن عمّار حنفی (۹۹۴-۱۰۶۹ ه.ق) نزد دو استاد حاضر می‌شد. از وی پرسیدند چرا برای آموختن یک متن، در درس دو استاد حاضر می‌شوی؟ در پاسخ گفت: «هر یک از اساتید شیوه مخصوص در شرح کتاب دارند».

استادان و مشایخ شیخ محمد بخیت

شیخ محمد بخیت بر اساس منویات خویش، علاوه بر آموختن فقه و اصول مذهب حنفی جهت رسیدن به شغل قضاوت، به کسب اطلاع و آگاهی بیشتر از مبانی فقه و اصول سایر مذاهب اسلامی هم پرداخت. در همین راستا، غیر از علوم و ادبیات عربی، به دروسی همانند علوم تفسیر و حدیث، علم توحید، علم نحو و صرف، و علم بلاغت و منطق اهتمام ورزید. وی افتخار داشت که شاگردی برخی علمای برجسته الازهر را داشته باشد؛ استادان بزرگی همانند:

- شیخ محمد دمنه‌وری شافعی (..... - ۱۲۸۸ ه.ق) از متخصصان علم عروض و بلاغت؛

- شیخ محمد عباسی مهدی (۱۲۴۳ - ۱۳۱۵ هـ.ق) اولین عالم حنفی مذهب که سرپرستی الازهر را بر عهده گرفت و به صدور فتاوی مشهور شده که مهم‌ترین مؤلفاتش «الفتاوی المهدیه» در هفت جلد است؛

- شیخ عبدالرحمان بن محمد شربینی (.... - ۱۳۲۶ هـ.ق) از فقهای شافعی که از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۲۴ ق مسئولیت استادی الازهر را به عهده داشت؛

- شیخ عبدالغنی ملوانی؛

- شیخ احمد بن محجوب فیومی رفاعی (.... - ۱۳۲۵ هـ.ق) از فقهای مالکی مذهب و متخصص در علم نحو؛

- شیخ عبدالرحمان بحراوی؛

- شیخ محمد البسیونی؛

- شیخ محمد إنباجی؛

- شیخ محمد عتتر؛

- شیخ درستاوی؛

- سید جمال الدین أفغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۵ هـ.ق) استاد بخش علوم فلسفی و عقلی؛

- شیخ حسن طویل (۱۲۵۰ - ۱۳۱۷ هـ.ق) از عالمان مالکی مذهب و متبحر در معقول و منقول.

استفاده از استادان بزرگ در کنار تلاش و کوشش شبانه‌روزی، شیخ محمد بخیت را در مرتبه بالاترین درجه علمی آن روز الازهر قرار داد به گونه‌ای که گواهی درجه یک «عالم» را اخذ و لباس استادی را بر تن کرد.

پس از دریافت گواهی «عالم»، به تدریس علوم فقه و توحید و منطق در الازهر پرداخت و پس از دو سال به منصب قضاوت شرعی دست یافت. وی در شهرها و مناطق مختلف همانند قیلوبیه، منیا، بورسعید، سویس، فیوم، آسیوط، و اسکندریه به قضاوت پرداخت و پس از آن در سال ۱۳۱۵ هـ.ق/ ۱۸۹۷م. به عنوان عضو اول دادگاه عالی مصر برگزیده شد و بالاخره در اواخر سال ۱۹۰۵ میلادی از کار در ادارات دولتی کناره‌گیری کرد.

با روی کار آمدن شاه حسین در مصر، شیخ بخیت به عنوان مفتی کشور مصر برگزیده شد. وی از نهم صفر سال ۱۳۳۳ / ۲۱ دسامبر ۱۹۱۴ م، سمت افتا در مصر را بر عهده گرفت و این منصب علمی تا زمان بازنشستگی وی در سال ۱۹۲۱ م. ادامه داشت و در مدت این چند سال حدود ۲۰۲۸ فتوا از وی صادر گردید. در این اثنا، او هم‌چنان به تدریس، تألیف، سخنرانی و مناظرات علمی اشتغال داشت.

وی با تدریس کتاب‌های مفصل در علوم تفسیر و حدیث، فقه و اصول فقه، توحید، فلسفه و منطق، توانست شاگردانی برجسته در دانشگاه الازهر پرورش دهد که بعدها، نقش به‌سزایی در نشر فرهنگ

اسلامی داشتند. از میان شاگردان ممتازش می‌توان از شیخ حسنین محمد مخلوف عدوی مالکی، (۱۸۹۰-۱۹۹۰م) نام برد. وی که از مفتیان مصر، فقیه، محدث و اصولی صوفی مسلک بود، چندین کتاب در موضوعات گوناگون تألیف کرده و پس از شیخ عبدالمجید سلیم عهده‌دار منصب مفتی کشور مصر گردیده است.

با آن که شیخ محمد بخیت مدتی از عمر خود را در شغل قضاوت و سر و سامان دادن به وضعیت دادگاه‌های کشورش گذراند، اما دست از تألیف برنداشت و حدود سی جلد کتاب در موضوعات متنوع از وی به یادگار مانده است.

وفات شیخ بخیت

شیخ محمد بخیت کمی قبل از نماز عصر روز جمعه بیستم ماه رجب المرجب سال ۱۳۵۴ ق (مطابق با ۱۸ اکتبر ۱۹۳۵ م) دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

با پخش خبر درگذشت شیخ بخیت، اقشار مختلف مردم ضمن ابراز هم‌دردی، خود را برای تشییع جنازه آماده کردند. ساعت ۳ بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ رجب، جنازه‌اش از «کوبری الیمون» تشییع شد. در این مراسم، نیروها و مسئولان دولتی، طلاب و علمای بزرگ الازهر که پیشاپیش آنها استاد برجسته، شیخ محمد مصطفی مراغی، رئیس دانشگاه الازهر، قرار داشت، به همراه بسیاری از کارمندان حکومتی و شخصیت‌های مختلف شرکت داشتند و پس از اقامه نماز میت، جنازه‌اش بر دوش ارادتمندانش حمل شد و در «قراهه المجاورین» دفن گردید. پس از دفن، مراسم گوناگونی برای بزرگداشت او برگزار گردید.

یکی از مهم‌ترین مجالس فاتحه و بزرگداشت، مجلسی بود که عده‌ای از علما و ادبا به ریاست امیر عمر بن طوسون (۱۸۷۲ - ۱۹۴۴ م) در روز جمعه ۱۹ ذی الحجه سال ۱۳۵۴ هـ. ق (مطابق با ۱۳ مارس ۱۹۳۶ م) در «دار المرکز عمومی جوانان مسلمان» در قاهره برگزار کردند. در این مراسم رئیس انجمن و بسیاری از علما و بزرگان و در رأس آنها شیخ مراغی و محمد صدقی باشا و استادانی همانند شیخ فحام، عبدالمجید لبنان، شناوی و ... شرکت نموده بودند و تعداد حاضران در آن مجلس بیش از دو هزار نفر بود.

تألیفات شیخ مطیعی

مجموعه تألیفات شیخ مطیعی به سی کتاب رسیده است. در یک نگاه اجمالی به آثار وی می‌توان به توان علمی و تنوع فرهنگی و تسلط او بر معارف علمی پی برد. وی در علم کلام و توحید، علوم قرآن و حدیث، مباحث فقهی و اصولی و سایر معارف دینی مطلب نوشت. فهرستی از کتاب‌های وی را می‌توان چنین لیست کرد:

۱- تنبیه العقول الإنسانیة لما فی آیات القرآن من العلوم الکونیة؛

- ۲- حقیقه الاسلام و اصول الحکم؛
- ۳- توفیق الرحمن للتوفیق بین ما قاله علماء الهيئة و بین ما جاء فی الأحادیث الصحیحة و آیات القرآن؛
- ۴- القول المفید علی وسیلة العبید؛
- ۵- مقدمه ای بر شفاء السقام فی زیاره خیر الأنام؛
- ۶- حاشیه بر شرح علامه ابو البرکات «الخريدة البهية فی علم العقائد الدینیة»؛
- ۷- حسن البیان فی ازالة بعض شبه و ردت علی القرآن؛
- ۸- الکلمات الحسان فی الحروف السبعة و جمع القرآن؛
- ۹- حجة الله علی خلیفته فی بیان حقیقه القرآن و حکم کتابته و ترجمه؛
- ۱۰- الکلمات الطیبات فی المأثور من الروایات عن الاسراء و المعراج؛
- ۱۱- رفع الأغلاق عن مشروع الزواج و الطلاق؛
- ۱۲- ارشاد الأمة إلی احکام اهل الذمه؛
- ۱۳- القول الجماع فی الطلاق البدعی و المتتابع؛
- ۱۴- إرشاد العباد للوقف علی الأولاد؛
- ۱۵- إرشاد القاریء و السامع إلی أن الطلاق إذا لم یضف الی المرأه غیر واقع؛
- ۱۶- إرشاد أهل الملة إلی اثبات الأهل؛
- ۱۷- أحسن الكلام فیما یتعلق بالسنة و البدعة من الأحکام؛
- ۱۸- سلم الوصول لشرح نهاية السؤل فی شرح منهاج الأصول. (این کتاب در علم اصول است)؛
- ۱۹- البدر الساطع علی جمع الجوامع؛
- ۲۰- حلّ الرمز عن معنی اللغز؛
- و ...

علاوه بر اینها، هزاران فتوای فقهی در پاسخ به پرسش‌های مختلف مردم مصر یا سایر کشورهای اسلامی از سوی شیخ مطیعی صادر شده است. در بسیاری از این فتاوا، پرداختن به مشکلات و مسائل عصر مورد توجه بوده است، مثل جریان‌هایی که افکار کمونیستی در پی داشت یا اختلافات برخی از حاکمان کشورهای اسلامی، یا مشکل ناهنجاری‌های اخلاقی که به صورت رسمی انجام می‌گرفت و یا تشویق و تحریص به مقاومت در برابر گروه‌های تبشیری مسیحیان و نیز مستشرقان؛ هر یک از این امور، موجب می‌گردید جامعه اسلامی مصر، از گمراهی‌های عصر نجات پیدا کند و مردم مسلمان از خطر فرهنگی دشمنان اسلام، حفظ گردند.

تلاش‌های اجتماعی - فرهنگی

شیخ محمد بخیت مطیعی که در اول ذی‌قعدة ۱۳۳۲ به مفتی‌گری مصر برگزیده شده بود، در حیات قضایی خود، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، با عمده‌ترین حوادث زمان درگیر بود؛ از جمله جریان مخالفت با اصلاحاتی که تحت نظر محمد عبده در الازهر صورت می‌گرفت و مشکلاتی که در باب ازدواج علی یوسف (شاعر و روزنامه‌نگار مصری) پدیدار شد و ماجراهای ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ میلادی که به استقلال مصر انجامید.

شیخ بخیت مطیعی عضو «الرابطه الشرقیه» نیز بود. اما در اعتراض به کوششی که برخی از اعضا به منظور الغای محالمة علی عبدالرزاق مبذول می‌داشتند در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م از آن انجمن کناره گرفت.

وی در مسائل مختلف آن روزگار، از جمله منازعات در ترجمه قرآن و وضع زنان و مبارزه با الغای «وقف بر اولاد»، شرکت فکری فعال داشت. آثار و مکتوبات علمی او در موضوعات مختلف، نشان‌دهنده آن است که وی به مسائلی که از برخورد اسلام با دستاورد علوم و فنون غرب پدید می‌آمده توجه داشته است. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۴۹).

اندیشه‌های وحدت و انسجام

- نفی تعصب مذهبی و رد هرگونه قداست برای آرای مذاهب گوناگون؛
- تأکید بر هم‌بستگی گروهی در ارائه فتاوی و عدم طرد مذاهب فقهی دیگران؛
- مذاهب فقهی اسلامی، هر یک از احترام ویژه خود برخوردارند و هیچ مذهبی معصوم نیست تا بر مذاهب دیگر ترجیح داده شود؛
- عمل به هر یک از مذاهب اسلامی، مجزی است؛
- پاسخ‌گویی به نیازهای علمی - دینی جهان اسلام و اهتمام به مشکلات فرهنگی مسلمانان؛
- ایمان و اعتقاد به تقریب میان پیروان مذاهب فقهی و دعوت به وحدت اسلامی.

تلاش‌های وحدت‌گرایانه

- تلاش برای صلح میان یمن و حجاز در درگیری‌های پنج ساله (۱۹۲۹ - ۱۹۳۴ م) میان پادشاه نجد و حجاز، ملک عبدالعزیز بن سعود (۱۳۶۷ ق / ۱۹۵۳ م) و حاکم یمن، امام یحیی بن محمد بن یحیی حمید الدین (۱۳۶۷ ق / ۱۹۳۴ م).

وی با ارسال پیامی به طرفین درگیری، آنها را نصیحت کرد و از خون‌ریزی و قتل بی‌گناهان از دو کشور مسلمان بر حذر داشت.

- در پاسخ به سؤال درباره مدفن حضرت زینب علیها السلام که آیا در مصر است یا نه، به رأی مورخان بزرگ همانند طبری، ابن اثیر و ابن جبیر و سخاوی استناد کرده و معتقد است آن حضرت نه در زمان حیات، مصر را زیارت کرده و نه جسدش به مصر آورده شد. در عین حال، نظریات مخالفان این رأی را هم آورده که عده‌ای از صوفیه از جمله ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن اسماعیل خواص و ابو محمد عبد الوهاب بن احمد بن علی شعرانی حنفی می‌باشند. وی در این موضوع، بدون توجه به اختلافات، به نظریه‌پردازی علمی پرداخت و پس از اعلام نظرش، گروهی به مخالفت و گروهی به مخالفت با او برخاستند، اما وی هیچ عکس‌العملی به دو گروه مخالف و موافق نشان نداد تا اختلافی پدید نیاید و به وحدت امت اسلامی ضربه‌ای وارد نگردد.

- گرچه شیخ محمد مطیعی حنفی مذهب بود و با اسم «محمد بخت مطیعی حنفی» فتاوی صادره را امضا می‌نمود، اما به آرای مذاهب مختلف اهتمام می‌ورزید، تا جایی که به تأسیس «مؤسسه اجتهاد گروهی» پرداخت تا در ضمن آن، فتاوا و احکام صادره طبق یک برنامه‌ریزی کلان ارائه گردد. بر اساس این، آرای را ترجیح می‌داد که با واقعیت خارجی جامعه اسلامی مطابقت داشته، مشکلات جامعه را علاج نماید.

- در جریان فتنه‌انگیزی برخی از نظریه‌پردازان مثل «رینان» که نوشته بود ملت فارسی (زبان) شیعه‌اند و مسلمان نیستند، شیخ محمد بخت فریاد برمی‌آورد که: «خدا می‌داند و شهادت می‌دهد که «رینان» در گفتارش، دروغ می‌گوید. مردم فارس (ایران) برخی سنی مذهب و برخی شیعه‌اند، اما آنها قبل از هر چیز مسلمان‌اند، و این اندیشمندان و رهبران فارسی زبان از قدیم تا زمان حاضر به اسلام گرویدند و همانند سایر مسلمانان حج و طواف خانه خدا را به جای می‌آورند و همانند نمازگزاران مسلمان به طرف کعبه نماز می‌خوانند و همانند روزه مسلمانان، روزه می‌گیرند و کتاب‌ها و تألیفات مخطوط و چاپ شده آنها، (بازار) کشورها را پر کرده است. این کتاب‌ها در اصول (کلام و عقاید) و فروع (فقهی) اسلامی تنظیم شده است».

- وی در ضمن سخن دیگری که به مؤلفات فلاسفه و متفکران مسلمان ایرانی همانند فارابی، ابن سینا، بهمنیار، ابن سبعین، و صدرالدین شیرازی و ... اشاره دارد، می‌گوید: «مخالفان و فتنه‌انگیزان نمی‌دانند که اسلام تبعیض‌نژادی را طرد کرده است؟ وقتی که ایرانیان مسلمان شدند، آنان و مسلمانان عرب، یک امت اسلامی را تشکیل دادند. آن چه که آنها را همانند یک ریسمان محکم به یک‌دیگر وصل کرد، دین اسلام و مجموعه آموزه‌های دینی بوده است».

- شیخ مطیعی در کتاب «رفع الأغلاق عند مشروع الزواج و الطلاق» صفحه ۱۰۰ (چاپ دار الفاروق بالجیزه، مصر) درباره مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی، و این که کسی نمی‌تواند دیگری را از عمل

به هر مذهبی از مذاهب منع کند، آورده است: «آیا نمی‌بینی (شیعیان) امامیه که در حال حاضر در کشور مصر زندگی می‌کنند، بدون هیچ مشقتی به آرای مذهبی خودشان (شیعه) عمل می‌کنند؟» وی با طرح این نکته، به تقبیح تعصب مذهبی پرداخته، عمل به اجتهادات هر یک از مذاهب را صائب دانسته و همگان را به تقریب مذاهب دعوت می‌کند.

منابع و مأخذ:

این نوشتار، تلخیص، اقتباس و گزارشی از کتاب «محمد بخیت المطیعی، الفقیه الاصولی المفتی» تألیف دکتر محمد دسوقی می‌باشد که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی آن را چاپ کرده است. هم‌چنین، مراجعه شود به: دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۴۹.

